



شیوه فرانسوی در قرن هیجدهم

از مشخصات هنر فرانسوی در قرن هیجدهم طغیانی است که بر ضد شیوه قرن هفدهم در آن دیده می‌شود. بجای متانت و دقتی که در دوره قبل در آثار نقاشان آشکار بود در این دوره شوق و شور حیات و تخیل و تیز بینی از خصوصیات پرده های نقاشی بشمار رفت. واتو Watteau اصیل ترین و مبتکرترین استاد این شیوه بود. دقت در آثار استادان و نیز سوگند برادران هوراس کاره داوید



پروفسور گاهنلو در آفریقا
پرتال جلیس گاهنلو در آفریقا

وفلاندر خاصه کارهای
 روبنس در شیوه او
 بسیار تأثیر کرد و چون
 مشهورترین نقاش دوره
 خود شده بود می‌کوشید
 که لذات ساده و
 سطحی جامعه‌ای را
 که در آن زیست
 می‌کرد با جنبه کمال
 آن نشان بدهد و چون
 به‌صورت فرهنگستان
 پذیرفته شد با عنوان
 «نقاش بزم‌های عاشقانه»
 دادند.



مرس «مارا» کار: داوید

در پرده های

این نقاش که اغلب زیبایی و جذبه عالم خواب و خیال را مجسم می‌کند
 لطف و لذت و هوس نهفته است اما اغلب غبار ملالی نیز بر مجالس او
 نشسته است. مشاهده دقیق عالم خارج و مهارت تمام در طراحی، و ظرافت
 در رنگ آمیزی از خصوصیات شیوه اوست. زندگی تصنعی دربار بصورت
 معاشقات لطیف و خیالی در آثار او جلوه گرفته است.

با آنکه این نقاش عمری کوتاه داشت آثار فراوان از او بجاست.
 بیش از همه معاصران خود نوق طبیعت داشت و در پرده‌های او هوا و روشنی
 لطیفی موج می‌زند.

دو شاگرد این هنرمند که یکی لانکره Lancret و دیگری پاتر Pater



نام داشتند پس از این شیوه را در دوره لوئی پانزدهم زنده نگه داشتند و لانکره تصویر طبیعت را دقیق تر کرد. در دوره سلطنت لوئی پانزدهم عده ای از نقاشان شیوه تازه ای بوجود آوردند

طبیعت بیجان کار: شاردن

که « نقاشی شکار » خوانده می شود. این هنرمندان مجالس شکار تصویر می کردند و این موضوع بهانه ای برای نقش مناظر زیبای جنگل و نمایش جانوران وحشی و اسبها و سگهای شکاری دربار بود. همچنین پرده های متعددی از طبیعت بیجان می ساختند که در آنها شکار کشته و ظرفهای نقره و میوه های لذیذ نشان داده می شد.

در این دوران بتدریج کار نقاشی سطحی می شد زیرا که هدفی جز آرایش دیوار و اطاقهای پذیرائی نداشت. بیشتر پرده ها مجالسی از داستانهای اساطیری یونان و روم را نشان می داد که در آنها چهره و اندام ونوس مکرر می شد و صحنه های زندگی چوپانی هم در این آثار مقامی داشت.

تأثیر تئاتر و اپرا در آثار این نقاشان بسیار بود. شاید برجسته ترین فرد این نقاشان فرانسوا بوشه F. Boucher باشد که برای مادام دو پومپادور محبوبه لوئی پانزدهم کار می کرد و این بانو کسی است که بر هنر درباری حکومت می کرد.

با اینحال آثار شاردن Chardin در شیوه نقاشی این دوره تنوعی پدید آورد و آنرا از یکنواختی و جلفی رهایی داد. شاردن با توجه به آثار استادان هلندی که در این زمان آثارشان رواج و رونقی داشت با سادگی

جذابی زندگانی خانوادگی مادران و کودکان طبقه متوسط پاریس را بر پرده‌های خود تصویر می‌کرد.

در پرده‌های « طبیعت بیجان » که این هنرمند تصویر کرده کوئی لطف شاعرانه‌ای در اشیاء و اثار عادی خانه نهفته است و مهارت فنی او بحدی است که مواد مختلف اشیاء را بخوبی مشخص می‌کند.

در این زمان معمول بود که خانواده‌های متشخص فرانسه نقاشان را به تصویر چهره همه نزدیکان خود وا دارند و باین سبب اکنون صورت همه رجال و اشخاص مهم دوره اوئی پاتزدهم در پرده‌های نقاشی باقی مانده است. از جمله نقاشان چهره‌ساز موريس کانتن دولاتور M. Quentin - de la Tour در نشان دادن حالت و روحیه مردمان این دوره ماهرتر است.

از خصوصیات کار دولاتور اینست که در چهره اشخاص چیزها و چه زشت شخصیت آنها را جستجو می‌کرد و نمایش می‌داد. این هنرمند در طراحی

سختو : کار فرانسواز



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رمان جامع علوم انسانی



بیهمتا بود و می توانست با
چند خط قوی و بکمک
رنگهای خشک روحیه شخص
را جلوه گر کند.

یکی از شاگردان
بوشه که فرآگونار Fragonard

نام داشت در این زمان در
خانۀ روستایی - کار: لونی
افق هنر فرانسه نمایان شد. فرآگونار مانند واتو نقاش عشق بود اما
در آثار او جنبه میل و هوس بر احساسات عمیق غلبه داشت. این هنرمند
پس از آنکه شاگردی بوشه را بپذیرد مدت شش ماه در کارگاه شاردن
کار کرد و هنر آموخت. سپس بدستور بوشه به ایتالیا رفت و مدتی بتمرین
و مطالعه در آثار تیهپولو Tiepolo پرداخت و چون به فرانسه بازگشت
سفارشهای متعددی برای نقاشی های تزئینی دیواری باو دادند و در این فن
شهرت بسیار یافت و اما پس از ازدواج ظاهراً متین تر شد و بجای مناظر
عاشقانه شهوت انگیز مجالس زیبایی از زندگی خانوادگی تصویر کرد.
دیگر از نقاشان مشهور این دوره گروژ greuze است که از دوستان
دیدرو فیلسوف و منتقد معروف بود و این دانشمند مکرر او را ستوده است
گروژ در نمایشگاه نقاشی سال ۱۷۵۵ نوق معاصران خود را در لباس
تازه ای نمایش داد و پرده های او سخت، مورد تحسین واقع شد. در آثار این
هنرمند دختران اگر چه زیبا بودند طبیعی بنظر نمی رسیدند و در تمام
کارهای او قدری جنبه تصنع و تکلف دیده می شود. اما در چهره سازی،
یعنی نقش صورت اشخاص معین زنده، مهارت بیشتری نشان می دهد.
حوادث و انقلابات آخر قرن هیجدهم در ابتدا تأثیری در نقاشی نداشت

و هنرمندان همان شیوه را که پیشتر پرورده شده و بکمال رسیده بود پیروی کردند. اما چندی بعد بر اثر اکتشافات آثار تاریخی پمپئی علاقه به آثار باستان یونان و روم رواج گرفت و در این تحول عظیم هنرمندی بنام وین Vien از جمله پیشوایان شمرده می شود. لوئی داوید L. David که ابتدا شاگرد بوشه بود پیرو این استاد شد و در آثار خود کوشید که محیط و شیوه کار هنرمندان باستان را زنده کند. پرده « سوگند برادران هوراس » که در سال ۱۷۸۵ بمعرض نمایش گذاشته شد شهرتی بی مانند یافت زیرا که همه نکات فوق و سلیقه جدید در آن ملحوظ شده بود و در حکم مبدأ رجعت به نقاشی تاریخی و تأثر از شیوه یونان و روم شمرده می شود.

پس از مرگ ربسپیر چندی داوید بزندان افتاد اما بزودی آزاد شد بعد ها به دستگاه ناپلئون پیوست و نقاش نخستین دربار او شد. داوید استادیست که از جلوه ظاهری امور و علاقه به لذت نظر رو گردان شد و تعمق و تفکر را در نقاشی بر زیبایی سطحی غلبه داد و از نظر چهره سازی نیز مهارتی یافت چنانکه همیشه در تاریخ نقاشی فرانسه یکی از استادان مسلم بشمار می رود.

(پژوهنده)

مستی

خواهم که مرا مدام آماده بود جام می و شاهی که آزاده بود
چندان بخورم باده که گر خاک شوم این کاسه سر هنوز پر باده بود
(سلمان ساوجی)